

خانه خودمان سخنرانی داشت. حیاط را می پوشانند و مجلس روضه برگزار می کردند. این روضه ها قدمتی صدساله دارد. همین حالا هم برگزار می شود. پدرم که مدیریت مدرسه نواب را برعهده داشت، شب های قدر در این مدرسه سخنرانی می کرد. این سخنرانی ها حالت درسی و آموزشی داشت. من پای همین سخنرانی ها بزرگ شده بودم.»

✚ کسی نبود که درس کلام بگوید

بانو نوقانی پس از گذراندن درس های حوزوی نزد پدر و برادر خود، به دعوت خانم طاهایی، با او همراه و هم قدم می شود و در تأسیس و راه اندازی مکتب نرجس و تربیت دانش آموختگان همت می گمارد. همکاری او تا اندازه ای است که در زمان حضور نداشتن مرحوم طاهایی در مشهد - برای در امان ماندن از دست عوامل رژیم شاهنشاهی به ناچار به سیستان رفته بود- چراغ این پایگاه را روشن نگه می دارد. «فکر می کنم مدت همکاری من با مکتب نرجس به بیش از ۴۰ سال می رسد. از اوایل تأسیس مکتب همراه خانم طاهایی بودم. آن زمان خانم طاهایی همین کوچه چهارباغ زندگی می کرد. چند سالی در خانه فعالیت می کرد و بعد از آن، حدود سال ۴۲ به این فکر افتاد که زمینی را برای مکتب تهیه کند. خیلی هم سعی داشت در همین محدوده چهارراه شهدا این کار را انجام دهد، اما به توافق نرسید و مکتب را در محل کنونی احداث کرد. آن زمان کسی نبود برای خانم ها درس کلام اسلامی بگوید و چون من درس کلام را محضر پدرم گذرانده بودم، به من پیشنهاد دادند این درس را در مکتب ارائه دهم که همراه با تفسیر قرآن و نهج البلاغه آن را به خانم ها آموزش می دادم.»

✚ منافقان در این ماجرا نقش داشتند

هم زمان با شروع درس کلام اسلامی در مکتب، به پاسخ گویی سؤالات دانشجویانی نیز که مراجعه می کردند می پردازد. این سال ها هم زمان است با جان گرفتن مبارزات مردمی. «دانشجویان فراوانی در مکتب رفت و آمد داشتند و پرسش های بسیاری درباره مسائل خداشناسی مطرح می کردند. چون درس کلام با فلسفه و منطق در ارتباط است، خانم طاهایی پاسخ گویی به سؤالات دانشجویان را هم به من سپرد. پرسش های زیادی درباره خداشناسی و اینکه خدا چگونه است و از این دست موارد می پرسیدند. پاسخ گویی به سؤالات هفته ای یک بار و در روزهای پنجشنبه صورت می گرفت. سؤالات آن قدر پیچیده بود که مشخص بود از سمت و سویی خاص هدایت می شود. مشخص بود منافقان در این ماجرا نقش دارند. سؤالات کمونیستی می پرسیدند. کمی که جلوتر رفته بودیم و ماجرای انقلاب اسلامی مطرح شده بود، می گفتند: اگر امام (ره) موفق شود، ما باز هم این نظام را قبول نداریم. آن زمان، مرحوم شهید هاشمی نژاد هم سؤالات دانشجویان آقا را حل و فصل می کرد.»

✚ تحصن و راهپیمایی زیاد داشتیم

به خاطرات انقلابی او می رسیم، روزهایی که زنان مشهد کمر همت بستند و با اعتصاب ها و راهپیمایی ها مردان انقلابی را حمایت کردند. «پدرم را بارها زندانی کرده بودند که با اعتصاب کسبه و تعطیل کردن بازار، او را چند هفته ای نگه داشتند و بعد آزاد کردند. برادرم را هم زندانی کرده بودند. او هم با حمایت و اعتصاب کسبه آزاد شد. آن زمان تا کاری خلاف اسلام انجام می شد، بازارها را تعطیل می کردند ولی ادارات چون دست شاه بود، امکان

تعطیل شدن نداشتند. از بازاری ها و عواقبی که تعطیلی بازار داشت خیلی می ترسیدند. برای من پیش نیامده بود که زندانی شوم ولی همراه با خانم طاهایی و در خانه فعالیت های انقلابی داشتیم و همراه دیگر خانم ها در اعتصاب ها شرکت می کردم. نوارها، رساله و اعلامیه های امام (ره) را جابه جا می کردیم. اتاق خرابه ای آن طرف حیاط داشتیم. همیشه اعلامیه ها را زیر مخروبه ها پنهان می کردیم. ساواکی ها هم سراغ آنجا نمی رفتند. تحصن و راهپیمایی هم زیاد داشتیم. به یاد دارم یک بار منزل آیتا... شیرازی تحصن کردیم. سه روز در منزل ایشان در اعتراض به ترور شهید مهدی زاده و دیگر مردم بی سلاح در ماه مبارک رمضان تحصن کردیم و غذا نخوردیم. فقط برای اینکه روزه ما به مشکل نخورد. با یک فنجان چای افطار می کردیم و این تنها غذای ما بود. یک بار دیگر هم منزل آیتا... قمی که سمت کوچه چهارباغ بود تحصن کردیم. ایشان با حضور زنان در میدان چندان موافق نبودند ولی ما هم نمی توانستیم آرام باشیم و حرکتی نکنیم. این تحصن هم همراه با اعتصاب غذا بود. چند روزی طول کشید و بعد از آن، راهپیمایی هم کردیم. چون می دانستیم آیتا... قمی از این کار ما دل خوشی ندارد، دیگر به آنجا برنگشتیم. در این تحصن و راهپیمایی، خانم های مرکز اسلام شناسی و مرکز عصمتیه حضور داشتند. خاطرم هست مرحومه مقدسی هم همراه ما بود.»

✚ میلشیا می پوشیدند

تحصن های زنان مشهدی که با حضور سودجویانه منافقان آمیخته بوده است، با سخنرانی زانی انقلابی همچون بانو نوقانی نیز همراه است. «در تحصن ها منافقان هم خودشان را با ما قاتی می کردند. لباس هایی نظامی می پوشیدند که به میلشیا معروف بود. شکل و شمایل لباس نظامی داشت. با آن ها بحث های مفصلی درباره حضور زنان در میدان های جنگ و نبرد می کردیم. به آن ها که علاقه داشتند در میدان های نبرد و جنگ باشند و سلاح در دست بگیرند می گفتم: مگر در صدر اسلام زن ها در میدان نبرد بوده اند که شما می خواهید به میدان بروید؟! از طرفی هم در صدر اسلام زن ها را اسیر نمی کردند ولی رژیم این قاعده را نداشت. می گفتم که زنان باید در پشت جبهه ها فعالیت کنند. بحث های زیادی در این زمینه ها داشتیم ولی فایده ای نداشت چون آن ها قصد شست و شوی ذهنی جوانان و دانشجویان را داشتند. هدف منافقان از حضور در جمع ما جمع کردن نیرو بود و چون پست و مقام اسم و رسم دار به خانم ها می دادند خیلی ها جذب آن ها می شدند. خاطرم هست که آخرین شب اعتصاب در خانه آیتا... قمی، خانم طاهایی از من خواست درباره نظر اسلام در خصوص حضور زنان در جبهه ها سخنرانی کنم. بعد از اینکه سخنرانی ام را انجام دادم، متوجه شدم آیتا... قمی همان شب نوار این سخنرانی را گوش کرده و از دخترش که در جمع ما بود سؤال کرده بود چه کسی سخنرانی می کند. او هم اسم من را آورده بود و ایشان گفته بود سخنرانی خوبی انجام شده است.»

✚ بگوید مراقب خودشان باشند

در کنار تحصن ها و راهپیمایی ها، فعالیت های آموزشی خانم نوقانی در مکتب با فعالیت های سیاسی ضد نظام شاهنشاهی نیز همراه می شود و با تفسیر قرآن، به بیان مشکلات نظام نیز می پردازد. «زمانی هم که خانم طاهایی به زاهدان رفته بود تا از دست مأموران شاه در امان باشد، از من

شهر بانو

شهر بانو

۲۷ شهریور
۱۴۰۱
شماره ۳۴۴

۵

